

نظریه کنش متقابل نمادین در بررسی نگرش نسبت به روابط نامشروع در افراد استفاده کننده از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی¹

²فائزه دیوبند

³سمیه جسمانی

⁴حسن زاده دهقان

چکیده

نظریه کنش متقابل نمادین از جمله نظریاتی است که کمتر در زمینه تحلیل تأثیر رسانهها بر رفتار انسانی مورد استفاده قرار گرفته است؛ پژوهش حاضر با استفاده از مبانی نظری دیدگاه کنش متقابل به بررسی عوامل موثر بر نگرش به روابط نامشروع در افراد استفاده کننده از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی پرداخته است.

این پژوهش با روش پیمایش انجام شد. داده‌های مطالعه از 192 نفر (100 زن و 92 مرد) که با روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، جمع‌آوری شد. ابزار سنجش متغیرها پرسشنامه محقق ساخته نگرش به روابط نامشروع بود.

نتایج نشان داد بین میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای و نگرش نسبت به روابط نامشروع همبستگی مثبت و معنی‌داری ($p < 0/05$) وجود دارد. علاوه بر آن بین میزان استفاده فرد به تنهایی، میزان استفاده خانواده و میزان استفاده اقوام و نزدیکان از برنامه‌های ماهواره‌ای با نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه معنی‌داری ($p < 0/05$) وجود داشته است.

بنابراین با کنترل استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای از طریق افزایش توجه به برنامه‌های داخلی و با افزایش آگاهی دهی به افراد در رابطه با پیامدهای منفی برنامه‌های ماهواره‌ای این امکان وجود دارد تا با تغییر فضای حاکم بر گفتگوهای مربوط به برنامه‌های ماهواره‌ای، امکان کاهش اثرپذیری از برنامه‌های ماهواره‌ای بیشتر خواهد شد.

کلید واژه: نگرش نسبت به روابط نامشروع، برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی، میزان استفاده، خانواده، اقوام و نزدیکان

1- پژوهش حاضر با حمایت‌های مالی دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان یزد صورت یافته است.

2- دانشگاه یزد- دانشکده علوم اجتماعی کارشناسی ارشد جامعه شناسی faezah.faezahdivband@gmail.com

3- دانشگاه یزد- دانشکده علوم اجتماعی کارشناسی ارشد جامعه شناسی somayya.jesmani@gmail.com

4- نیروی انتظامی استان یزد- دفتر تحقیقات کاربردی کارشناسی ارشد مدیریت hasan_zadehdehghan@yahoo.com

مقدمه

پیدایش وسایل ارتباط جمعی پیشرفته یکی از پدیده های مهم است که حیات فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. از قرن نوزدهم با اختراعات جدید تحول چشمگیری در وسایل ارتباط جمعی بوجود آمد و در قرن بیستم با اختراع بی سیم، تلویزیون، و ویدئو و به دنبال آن کامپیوتر و ماهواره، انفجاری در این صنعت روی داد و وسایل ارتباط جمعی به بالاترین میزان رشد خود رسید. با این همه ویژگی می توان گفت که رسانه های ارتباط جمعی امروزه بر تمام ارکان جامعه تأثیر گذار بوده و دارای بیشترین تأثیر فرهنگی از میان تمامی ابزار و فنون جدید است (اخترشهر، 1386:117).

گسترده گی بی نظیر ماهواره به عنوان ابررسانه جمعی در بین جوامع مختلف به عنوان وسیله ارتباطی و حضور آن حتی در حریم خلوت و خصوصی مردم، این ابزار را به عنوان قابل قبول ترین پیام آور و پذیرفتنی ترین فرمانروای اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است (پنابادی، 1375:10).

نقش رسانه های جمعی به ویژه ماهواره در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است. رسانه ها همچنین دارای اثرات منفی چون افزایش رفتار پر خاشگرانه، ترویج آرمان ها و گروه های مبتذل و ترویج رفتارهای نامناسب جنسی هستند (افهمی و آقامحمدیان، 1385). در این زمینه باید از پیدایی نوعی بی حسی بیم داشت و از بی تفاوت شدن انسان ها در برابر فجایع جنسی هراسان گردید و این هر دو نتایجی کمتر از ترغیب به تقلید صحنه ها ندارد. پیشرفت تکنولوژی سبب شده که مرزهای بایدها و نبایدهای اخلاقی و به دنبال آن جرائم و افعال آزادانه و مختارانه حقوق شهروندان بهم بریزد (ساروخانی و محسنی، 1381:128).

آنچه در حال حاضر در جامعه ایران و حتی شهر یزد که به عنوان یک شهر دارالعباده شناخته شده است، به وضوح قابل مشاهده و بالتبع در خور توجه است، افزایش میزان توجه اقشار گوناگون جامعه به برنامه های ماهواره ای می باشد. بر خلاف گذشته، داشتن آنتن ماهواره مخصوص عده خاص و محدودی از افراد نیست و داشتن دیش ماهواره بر روی بام های منازل قبح و طرد اجتماعی به همراه ندارد و به یک امر قابل قبول از نظر اجتماعی تبدیل شده است. واضح است که با این شرایط، امکان برخورد قانونی در رابطه با استفاده از آنتن های ماهواره ای، پذیرش اجتماعی نداشته و با موفقیت همراه نخواهد بود. در چنین وضعیتی لازم است تا با شناخت ابعاد و راه های اثرگذاری برنامه های ماهواره ای، به کنترل و جهت دهی هر چه بیشتر آنها پرداخت.

تحقیق حاضر با استفاده از نظریه کنش متقابل نمادین و فرضیاتی که در ذیل این نظریه مطرح می شود، به دنبال شناسایی عواملی است که با نگرش نسبت به روابط نامشروع در افراد استفاده کننده از این برنامه های ماهواره ای در ارتباط هستند.

مبانی نظری تحقیق

دیدگاه کنش متقابل نمادین از دیدگاه های جامعه شناسی معاصر است که پدیده های اجتماعی را از دریچه خاصی مطالعه می کند. به طور کلی این دیدگاه بر پویایی کنش متقابل اجتماعی بین فرد و اجتماع و نتایج این فرآیند تأکید می کند. اندیشمندان این دیدگاه بر تعامل افراد و اجتماع در شکل گیری شخصیت فرد توجه خاصی مبذول کرده اند.

آنان معتقدند که افراد با یکدیگر و با محیط خود کنش متقابل دارند و محیط اطراف خود را تحت تاثیر قرار داده و تحت تاثیر محیط و دیگر افراد موجود در آن نیز قرار می‌گیرند. از این رو، شخصیت انسانی چیزی جز آن چه که در برخورد با محیط و دیگران شکل می‌گیرد، نیست (ربانی و نوروزی، 1386: 1).

کنش متقابل صرفاً به منزله تأثیرپذیری از دیگران نیست، بلکه تأثیر و تأثر متقابل در جریان زمان و موقعیت‌های گوناگون است. در این صورت یک عمل متحول در حال تغییر، مطرح است نه عمل ساده‌ای که در شرایط محیطی خاصی تحقق پذیرد. عمل انسان صرفاً به واسطه کنش متقابل ایجاد نمی‌شود، بلکه از کنش متقابل بین افراد نتیجه می‌شود کنش افراد ناشی از تفکر فرد و تعریف او از موقعیت است (امجدیان، 1388).

از جمله نظریه پردازان این نظریه جرج هربرت مید است. مید خویشتن را به مثابه پدیده در حال رشد در نظر می‌گرفت و می‌گفت که: «خویشتن در ابتدای کار، درموقع تولد، حضور ندارد بلکه در طول فعالیت و تجربه اجتماعی رشد می‌یابد». همچنین مید اصطلاح دیگری تعمیم یافته را مطرح می‌نماید که فرد از خلال این فرایند به گرایشهای عمومیت یافته گروهی که عضویت آن را دارد، پی می‌برد. مید تحت عنوان «دیگری تعمیم یافته» به این گروه سازمان یافته که وحدت خویشتن اعضای خود را تأمین می‌کند اشاره دارد. مطابق نظر کولی، خویشتن یا هویت یک فرد همان «خود آیینی سان» او است که در جریان تعاملات فرد با دیگران شکل می‌گیرد. براین اساس، هویت، تعریفی است که فرد به واسطه تعاملاتش با دیگران و یا بعبارتی با نگاه کردن در آیینی دیگران از خود به دست می‌آورد (تلائی، 1386: 81-83).

پیش از ظهور رسانه‌های ارتباطی، شکل پذیری خویشتن افراد مقید به محلهایی بود که در آن زندگی کرده، به تعامل با یکدیگر می‌پرداختند. افقهای درک بیشتر افراد، محدود به الگوهای تعامل رودررو بود که اطلاعات از درون آن جریان می‌یافت. با ظهور و گسترش وسایل ارتباط جمعی، گونه‌های کنش متقابل نیز افزایش یافت به طوری که می‌توان سه نوع کنش متقابل را از هم تشخیص داد:

1- تعامل و کنش متقابل رودررو: مانند کسانی که در یک مهمانی با هم حرف می‌زنند، سرشار از علائم و سرخ‌هایی است که افراد به کار می‌برند تا معنای حرف دیگران را بفهمند.

2- تعامل با واسطه: شامل کاربرد فناوری رسانه‌هاست همانند تماس‌های الکترونیکی یا ارتباط الکترونیکی؛ خصوصیت تعامل با واسطه این است که در زمان و مکان گسترانده می‌شود. به فراسوی متن و زمینه‌های تعامل رودرروی معمولی می‌رود. تعامل با واسطه به شیوه‌ی مستقیم بین افراد رخ می‌دهد- مثل دو نفری که تلفنی مشغول صحبت کردن هستند- اما به اندازه تعامل رودررو نمی‌توان از انواع علائم و سرخ‌ها استفاده کرد.

3- شبه تعامل با واسطه: به معنای شکلی از روابط اجتماعی است که رسانه‌های گروهی خلق می‌کنند. چنین تعاملی در طول زمان و مکان گسترانده می‌شود، ولی افراد را مستقیماً به هم وصل نمی‌کند و به همین دلیل است که اصطلاح شبه تعامل استفاده شده است. دو نوع پیشین تعامل، تعامل‌های گفت و گویی هستند که در آن افراد به صورت مستقیم با هم ارتباط و مراوده دارند. شبه تعامل با واسطه، تعاملی تک‌گویانه است: برای مثال، هر برنامه تلویزیونی یک ارتباط یک طرفه است. کسانی که این برنامه را تماشا می‌کنند می‌توانند درباره آن حرف بزنند، و حتی شاید کلماتی را خطاب به دستگاه تلویزیون به زبان بیاورند ولی مسلماً پاسخی دریافت نمی‌کنند (گیدنز، 1386: 671).

به بیان تامپسون¹: افراد در جریان دریافت پیام‌های رسانه‌ها و نیز پس از آن، درباره این پیام‌ها بحث و گفتگو می‌کنند. پیام‌ها از طریق فرایند مداوم گفتن و بازگفتن‌های مکرر، تفسیر و بازتفسیر کردن، توضیح دادن، خندیدن و انتقاد

کردن، پیوسته تغییر شکل پیدا می‌کنند. با در دست گرفتن عنان پیام‌ها و وارد ساختن آنها در زندگی‌هایمان ما پیوسته در حال شکل دادن و تغییر شکل دادن مهارت‌ها و دانسته‌هایمان، آزمودن احساسات و سلیقه‌هایمان و گسترش دادن به افق تجربه‌هایمان هستیم (گیدنز، 1386: 670-671).

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی در رابطه با تأثیر رسانه‌ها بر نگرش و رفتار افراد صورت یافته است؛ در ایران غالب پژوهش‌های انجام شده درباره برآیندهای استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی بر موضوع دین و هویت دینی متمرکز بوده‌اند. برای مثال عباسی قادری (1386)، ضمن پژوهشی نشان داده است که فضاهای مجازی و اینترنتی در هویت دینی کاربران تغییرات زیادی را ایجاد کرده‌اند. لاریجانی و ملکی‌تبار (1386) نشان داده‌اند میزان باورهای دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی کسانی که برنامه‌های ماهواره را تماشا می‌کنند متفاوت از کسانی است که بیننده برنامه‌های ماهواره‌ای نیستند. دهقان (1386) نشان داده است که میان میزان استفاده از روزنامه و دینداری (بعد رفتاری) ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بین میزان استفاده از تلویزیون و دینداری نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد. دیوبند و صالحی (1389) نیز ضمن پژوهشی نشان داده‌اند که استفاده از ماهواره‌های خارجی در نگرش نسبت به روابط دختر و پسر تفاوت معنی‌دار ایجاد کرده است و افرادی که از ماهواره‌های خارجی استفاده می‌کنند نسبت به روابط دختر و پسر موافق‌تر هستند.

در خارج از ایران، پژوهش مالموس¹ و بریر² (1986) نشان داده است که به نمایش گذاشتن خشونت جنسی در رسانه‌ها به توسعه الگوی تفکری منجر می‌شود که از خشونت علیه زنان حمایت می‌کند و این نوع تفکر به شکل‌های مختلف رفتارهای ضد اجتماعی منجر می‌شود. چیانگ³ (1997) ضمن پژوهش خود نشان داده است که تقلید از شخصیت رسانه‌ها؛ رفتار انحرافی والدین و ارزیابی منفی معلمین از دانش آموزان بیشترین مقدار واریانس رفتار انحراف آمیز نوجوانان را تبیین می‌کند. کوین⁴ و دیگران (2004) نشان داده‌اند که بین میزان استفاده از مطالب هرزه نگاری و رفتارهای انحرافی جنسی رابطه وجود دارد. این در حالی است که نتایج همین تحقیق نشان داده است که سطح بالای رفتارهای جنسی انحرافی با استفاده از هرزه نگاری تنها برای شرکت‌کننده‌هایی که دارای اختلالات فکری و روانی بالایی بوده‌اند وجود داشته است. پیرسون⁵ (2006) نشان داده است که رسانه‌های منفی به عنوان یک عامل به تنهایی در تعیین رفتار ضد اجتماعی موثر نیستند. برسامین⁶، بوردیو⁷، فیشر⁸، گراب⁹ (2010) ضمن پژوهشی نشان دادند که جوانانی که تجربه رابطه جنسی نداشته‌اند بیشتر از جوانانی که تجربه جنسی داشته‌اند تلویزیون تماشا کرده‌اند؛ اما برنامه‌های شبکه‌های موزیک و جنسی و شبکه‌هایی را که مربوط به بزرگسالان می‌شده است را کمتر تماشا کرده‌اند. اما این پژوهش‌ها عمدتاً کمتر به مسئله بررسی تجربی امکانات باقوه‌ای که در رابطه با بحثها و گفتگوهای بعد از دریافت پیام صورت می‌گیرد و تأثیر این بحثها بر میزان این اثرپذیری پرداخته‌اند. مطابق با دیدگاه کنش متقابل

1 - Malamuth

2 - Beriere

3 - Cheung

4 - Kevin

5 - Pearson

6 - Bersamin

7 - Bourdeau

8 - Fisher

9 - Grube

نمادین، به نظر می رسد که تفاوت در نوع تفاسیر و بحثهایی که بعد از تماشای برنامه‌های خاص صورت می گیرد می تواند در میزان و نحوه تأثیر پذیری تغییر ایجاد کند. با این شرایط، بالتبع زمانی که اقوام و نزدیکان فرد و یا افراد خانواده ای که فرد با آنها زندگی می کند، به میزان بیشتری از برنامه های ماهواره‌های خارجی استفاده کنند، محتوای بحثهای بعد از دریافت پیام های رسانه ها به سمت موافقت با این نوع برنامه ها حرکت خواهد نمود. از طرف دیگر هنگامی که فرد فرصت این را دارد که به تنهایی به تماشای برنامه ها بپردازد، صرف نظر از آزادی که در رابطه با انتخاب برنامه دارد و اثرپذیری ناشی از آن؛ فرصت لازم برای بحث در رابطه با برنامه همورد نظر کاهش یافته و در نتیجه فرد آنچه را که از رسانه دریافت می کنند به صورت کامل و بدون چون و چرا و تردیدی، درونی می سازد. براین اساس مقاله حاضر به بررسی فرضیات ذیل پرداخته است:

فرضیات تحقیق

متناسب با چارچوب نظری تحقیق فرضیات ذیل مطرح می گردد:

- 1- بین میزان تماشای برنامه‌های ماهواره‌های خارجی و نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه وجود دارد.
- 2- بین میزان استفاده خانواده‌ای که فرد با آنها زندگی می کند، از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی و نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه وجود دارد.
- 3- بین میزان استفاده اقوام و نزدیکان از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی و نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه وجود دارد.
- 4- بین مدت زمانی که فرد برای تماشای برنامه‌ها به تنهایی دارد و نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر در قالب یک روش پیمایش انجام شده است. 192 نفر از افراد دارای آنتن‌های ماهواره‌ای که به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند¹. در این روش برای نمونه‌گیری، در مرحله اول شهر یزد به سه منطقه تقسیم شد؛ از هر منطقه، دو خیابان و از هر خیابان چند کوچه انتخاب شدند و تمامی افراد 15 تا 35 ساله منازل هر کوچه که دارای آنتن‌های ماهواره‌ای بودند پرسشنامه مذکور را تکمیل نمودند.

ابزار اندازه گیری

متغیر نگرش نسبت به روابط نامشروع:

برای سنجش این متغیر از پرسشنامه محقق ساخته نگرش نسبت به روابط نامشروع استفاده شد. این پرسشنامه مرکب از 13 سوال بود که به سبک طیف 5 درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، تاحدودی، مخالف و کاملاً مخالف) تدوین شده بود. دامنه نمرات این مقیاس 13 تا 65 بوده است. برای سنجش اعتبار آن از روش اعتبار صوری استفاده

1- داده‌های این مقاله از یک طرح تحقیقاتی که زیر نظر دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان یزد بر روی 384 نفر (192 نفر دارای آنتن‌های ماهواره‌ای خارجی و 192 نفر فاقد آنتن‌های ماهواره‌ای خارجی) از افراد 15 تا 35 ساله شهر یزد، صورت یافته است، به دست آمده است.

شد و نظر کارشناسان نیروی انتظامی، دینی و جامعه شناسی مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش پایایی این مقیاس نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان هماهنگی درونی سؤالات پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ 0/89 محاسبه شد که در دامنه خوبی قرار داشت.

سایر متغیرها:

به منظور تعیین میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای از پاسخگویان خواسته شده بود که در پاسخ به این سوال که در شبانه روز چقدر از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده می‌کنید؟ یکی از گزینه‌های کمتر از 2 ساعت، 2 تا 4 ساعت، 5 تا 6 ساعت و بیش از 6 ساعت را انتخاب نمایند. که دامنه نمرات آن از 1 تا 4 بود. به منظور تعیین میزان زمانی که فرد فرصت دارد تا به تنهایی از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده کند، پاسخگویان یکی از گزینه‌های همیشه، بیشتر اوقات، گاهی، به ندرت و هیچ وقت را انتخاب می‌کردند که دامنه نمرات آنها از صفر تا 4 بوده است.

در رابطه با میزان تماشای اقوام و نزدیکان از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی پاسخگویان می‌بایست یکی از گزینه‌های همه آنها، اکثریت آنها، نصف آنها، تعداد کمی از آنها و هیچ کدام را انتخاب نمایند که دامنه نمرات آنها از صفر تا 4 بوده است.

در رابطه با میزان تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی در افراد خانواده فرد که با وی زندگی می‌کنند پاسخگویان می‌بایست یکی از گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم را انتخاب نمایند که دامنه نمرات آنها از صفر تا 4 بوده است.

داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار *SPSS* مورد تحلیل قرار گرفتند. از آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده فرد، خانواده، اقوام و نزدیکان و استفاده به تنهایی از برنامه‌های ماهواره‌ای، با نگرش نسبت به روابط نامشروع استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

192 نفر از افرادی دارای آنتن‌های ماهواره‌ای خارجی بوده و در دامنه سنی 15 الی 35 سال قرار داشتند مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی پاسخگویان برابر با 25/07 با انحراف معیار 5/73 بود. 52/1 درصد زن و 47/9 درصد مرد بوده‌اند. 55/2 درصد مجرد و 44/8 درصد متأهل بودند.

به منظور تحلیل داده‌ها، در بررسی رابطه بین میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره خارجی (در شبانه روز) با نگرش نسبت به روابط نامشروع از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده شده است.

جدول (1): همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی و نگرش نسبت به روابط نامشروع

متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	معنی داری	تعداد
نگرش نسبت به روابط نامشروع	0/22	0/002**	192

$$p < 0/001^{**}$$

همانطور که نتایج (جدول 1) نشان می‌دهد میزان همبستگی و معنی‌داری به شرح ذیل می‌باشد:

$$r(192) = 0/22, p < 0/01$$

همانطور که نتایج نشان می‌دهد بین متغیر میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره خارجی با نگرش نسبت به روابط نامشروع همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ در واقع هرچه افراد مدت زمان بیشتری را از اوقات شبانه روز خود را به برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی اختصاص داده‌اند، نگرش موافق‌تری نسبت به روابط نامشروع داشته‌اند.

به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده اقوام و نزدیکان از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی با نگرش به روابط نامشروع از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده شده است.

جدول (2): همبستگی پیرسون بین میزان استفاده اقوام و نزدیکان از ماهواره‌های خارجی و نگرش نسبت به روابط نامشروع

متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	معنی داری
نگرش نسبت به روابط نامشروع	0/17	0/02*

$$p < 0/05^*$$

همانطور که نتایج (جدول 2) نشان می‌دهد میزان همبستگی و معنی‌داری به شرح ذیل می‌باشد:

$$r = 0/17, p < 0/001$$

بنابراین هر چه میزان استفاده اقوام و نزدیکان بیشتر شده است، نگرش به روابط نامشروع موافق‌تر شده است. و افرادی که تعداد بیشتری از اقوام و نزدیکان آنها از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده می‌کنند به میزان بیشتری با روابط نامشروع موافق بوده‌اند.

به منظور بررسی رابطه بین مدت زمانی که سایر افراد خانواده از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده می‌کنند، با نگرش به روابط نامشروع نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده شده است.

جدول(3): همبستگی پیرسون بین مدت زمانی استفاده خانواده از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی، و نگرش نسبت به روابط نامشروع

متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
نگرش نسبت به روابط نامشروع	0/17	0/02×

$$p < 0/05^*$$

همانطور که نتایج نشان می‌دهد میزان همبستگی و معنی‌داری به شرح ذیل می‌باشد:

$$r = 0/17, p < 0/05$$

همانطور که نتایج نشان می‌دهد بین این دو متغیر همبستگی معنی‌داری وجود دارد و هر چه افراد خانواده فرد، به میزان بیشتری از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده کنند، نگرش فرد نسبت به روابط نامشروع موافق‌تر می‌شود. به منظور بررسی رابطه بین مدت زمان برای تماشای برنامه‌ها به تنهایی با نگرش به روابط نامشروع از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده شده است.

جدول(4): همبستگی پیرسون بین مدت زمان برای تماشای برنامه‌ها به تنهایی و نگرش نسبت به روابط نامشروع

متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	معنی‌داری	تعداد
نگرش نسبت به روابط نامشروع	0/25	0/001×××	384

$$p < 0/001^{***}$$

همانطور که نتایج (جدول 4) نشان می‌دهد میزان همبستگی و معنی‌داری به شرح ذیل می‌باشد:

$$r = 0/25, p < 0/001$$

همانطور که نتایج نشان می‌دهد بین این دو متغیر همبستگی معنی‌داری وجود دارد و افرادی که زمان بیشتری داشته‌اند تا از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی به تنهایی استفاده کنند، نگرش موافق‌تری نسبت به روابط نامشروع داشته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با استفاده از مبانی تئوریک نظریه کنش متقابل نمادین به بررسی عوامل موثر بر گرایش نسبت به روابط نامشروع در افراد استفاده کننده از برنامه‌های ماهواره‌ای پرداخته بود. غالب پژوهش‌های پیشین به بررسی تأثیر صرف رسانه‌ها بر نگرش و عملکرد افراد پرداخته‌اند. این در حالی است که میزان اثرپذیری از رسانه‌ها و به طور خاص ماهواره‌ها در همه افراد یکسان نیست و متغیرهای دیگری نیز وجود دارند که بر شدت این رابطه اثر می‌گذارند.

به این منظور پژوهش حاضر با استفاده از مبانی تئوریک نظریه کنش متقابل نمادین، علاوه بر بررسی رابطه بین میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای، متغیرهایی چون میزان استفاده خانواده، اقوام و نزدیکان و مدت زمان استفاده به تنهایی را با نگرش نسبت به روابط نامشروع مورد بررسی قرار داد. همانطور که نتایج نشان داد، بین میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای و نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت و افرادی که به میزان بیشتری از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند، با روابط نامشروع موافق‌تر بوده‌اند.

بنابراین افزایش میزان استفاده این نوع برنامه‌ها منجر به با این امر خواهد شد که افراد ارتباط صمیمی بین دو جنس و شوخی و خوش و بش بین آنها را عادی تلقی نمایند، به طوری که حتی این ارتباط را عاملی برای افزایش اعتماد به نفس و بهتر شدن، موفق تر شدن و شادتر شدن زندگی بدانند.

همچنین افزایش میزان استفاده از این برنامه‌ها باعث شده است تا افراد به میزان بیشتری این احساس را داشته باشند که به دلیل محدودیت‌های جامعه در مورد رابطه با جنس مخالف، احساس عقب افتادگی و احساس کمبود داشته و بیشتر خواهان این باشند که تا تصمیم گیری در مورد رابطه با جنس مخالف به عهده خودشان باشد و کسی در این باره دخالت نداشته باشد.

البته می‌بایست این نکته را خاطر نشان ساخت که این تأثیرات ماهواره تنها محدود به روابط غیر جسمانی از روابط نامشروع نیست، میزان بیشتر استفاده باعث عادی شدن رفتارهایی چون دادن، بوسیدن، درآغوش کشیدن و مانند آن، بین دو جنس نیز شده است و این افراد با این نوع از روابط نیز موافقت بیشتری داشته‌اند.

این نتایج با یافته‌های عباسی قادری (1386) هماهنگ است وی نیز نشان داده است که بین میزان استفاده از اینترنت (به عنوان یک رسانه ارتباط جمعی)، با هویت دینی کاربران رابطه معنی داری وجود دارد. و هر چه افراد در مدت زمان بیشتر و به میزان بیشتری از اینترنت استفاده نموده‌اند هویت دینی پایین‌تری داشته‌اند. برسامین، بوردیو، فیشر، گراب (2010) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند هر چند میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی در جوانانی که تجربه رابطه جنسی نداشته‌اند بیشتر از جوانانی است که تجربه جنسی داشته‌اند. اما افرادی که تجربه رفتار جنسی انحرافی را داشته‌اند، برنامه‌های شبکه‌های موزیک و جنسی و شبکه‌هایی را که مربوط به بزرگسالان می‌شده است را بیشتر تماشا کرده‌اند.

چیانگ (1997) نیز نتایج مشابهی را در رابطه با تأثیر رسانه‌ها بر روی شخصیت و رفتار افراد نشان داده است وی به این نکته اشاره دارد که تقلید از شخصیت رسانه‌ها؛ نقش موثری در تبیین رفتار انحراف‌آمیز نوجوانان را تبیین می‌کند. هر چند که این نتایج با تحقیق دهقان (1381) سازگاری ندارد. وی به این نتیجه رسیده است که میان میزان استفاده از روزنامه و تلویزیون با دینداری (بعد رفتاری) ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. دهقان این نکته را مطرح می‌کند که

دینداری بیش از این که تابع استفاده از وسایل ارتباط جمعی باشد از عوامل دیگری تأثیر می‌پذیرد. هر چند که از ذکر این نکته نباید غافل بود که دهقان این نتایج را در بررسی ارتباط دینداری با رسانه‌های داخلی مورد آزمون قرار داده است و تفاوت محتوای برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی با برنامه‌های داخلی می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی شود.

کوبین و دیگران (2004) نیز معتقدند که اختلالات روان نژندی و اختلالات فکری و روانی عمده‌ترین متغیرهای مرتبط با افکار جنسی انحرافی بوده‌اند در واقع اختلالات روانی و فکری رابطه بین استفاده از هرزه نگاری و رفتارهای انحرافی جنسی را تا حد زیادی تعدیل می‌کنند. و سطح بالای رفتارهای جنسی انحرافی با استفاده از هرزه نگاری تنها برای شرکت کننده هایی که دارای اختلالات فکری و روانی بالایی بوده اند وجود داشته است. این نتایج با نظریه جبرگرایی متقابل باندورا (1977) هماهنگ است که معتقد بود اشخاص با ویژگی‌های شخصیتی مشخصی به نوع خاصی از محتوای رسانه‌ها جذب می‌شوند و این افراد به گونه‌ای متفاوت از دیگران تحت تأثیر این متغیرها قرار می‌گیرند.

علاوه بر این نتایج این تحقیق نشان داده است که بین میزان استفاده خانواده‌ای که فرد با آنها زندگی می‌کند، از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی و نگرش نسبت به روابط نامشروع رابطه وجود دارد و خانواده‌هایی (استفاده کننده از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی) که در آن افراد خانواده - پدر، مادر و خواهر و برادران - به میزان بیشتری از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده می‌کنند، نگرش موافقتی نسبت به روابط نامشروع وجود داشته است.

بین تعداد اقوام و نزدیکانی که از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده می‌کنند و نگرش نسبت به روابط نامشروع نیز رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت و افرادی که تعداد بیشتری از نزدیکان و اقوامشان از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده می‌کنند بیشتر باشد، نگرش فرد نسبت به روابط نامشروع موافق تر است.

همچنین بین مدت زمانی که فرد برای تماشای برنامه‌ها به تنهایی دارد و نگرش نسبت به روابط نامشروع نیز رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت و افرادی که زمان بیشتری داشتند تا بتوانند به تنهایی از برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی استفاده کنند، با نگرش نسبت به روابط نامشروع موافق ترند.

این نتایج نشان دهنده این است که علاوه بر استفاده و میزان استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای، متغیرهای دیگری نیز در ارتباط هستند. با توجه به نتایج حاصل آمده و بر مبنای نظریه کنش متقابل نمادین می‌توان این نکته را مطرح کرد که محتوای بحث و گفتگوهایی که در رابطه با برنامه‌های ماهواره‌ای مطرح می‌شود، می‌تواند نقش موثری در اثرپذیری از برنامه‌های ماهواره‌ای داشته باشد.

افرادی که زمان بیشتری دارند تا از برنامه‌های ماهواره‌ای به تنهایی استفاده کنند؛ در درجه اول از آزادی بیشتری برخوردارند که هر نوع برنامه‌ای را انتخاب نمایند. در این وضعیت کنترل والدین و سایر افراد خانواده بر برنامه‌های انتخاب شده کاهش می‌یابد؛ علاوه بر آن امکان بحث و گفتگو در رابطه با این برنامه‌ها و مشخص ساختن نقاط ضعف و قوت مسائل مطرح شده، کمتر خواهد شد. در این وضعیت برنامه‌های ماهواره‌ای بدون هیچ مانعی می‌توانند افکار و الگوهای مدنظر خود را در فرد استفاده کننده درونی سازند.

علاوه بر این نتایج این تحقیق نشان داده است که میزان استفاده اقوام و نزدیکان و همچنین افراد خانواده فرد نیز در تغییر نگرش اثرگذارند.

افراد و نزدیکان و خانواده فرد از جمله کسانی هستند که بعد از استفاده از این نوع برنامه‌ها، مخاطبانی برای بحث و بررسی مسائل مطرح شده هستند. فرد بعد از دریافت و مشاهده برنامه‌های ماهواره‌ای در رابطه با محتوای مشاهده شده با آنها بحث و گفتگو می‌کند. در صورت استفاده همگانی و مکرر خانواده و اقوام از برنامه‌های ماهواره‌ای، فضای گفتگوهای مربوطه به سمت موافقت با این نوع برنامه‌ها خواهد شد. چرا که در این حالت، الگوی روابط ارائه شده در

این نوع برنامه‌ها به تنها الگوی ممکن از نظر این افراد تبدیل شود. در صورتی که اگر این افراد به میزان کمتری از این برنامه‌ها استفاده نمایند، و کمتر تأثیر بگیرند، الگوهای روابط دیگری نیز معرفی خواهند شد و فرد این فرصت را دارد تا در خلال بررسی الگوهای مختلف، به نقاط ضعف و قدرت هر یک پی برده و جایی برای تصمیم خود نیز باقی بگذارد. به تعبیری کلان تر و بر طبق نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت، اگر استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای، به پدیده همگانی تبدیل شود و برنامه سازان داخلی نتوانند مخاطبان خود را حفظ نمایند، برنامه‌های داخلی فرصت خود را برای ارائه الگوی فرهنگی مدنظر خود از دست خواهند داد و این زمینه فراهم خواهد شد تا صنعت فرهنگی غرب بتواند فرهنگ توده‌ای خرافت کننده خود را در زمینه روابط بین دو جنس، بر استفاده کنندگان خود تحمیل نماید و آنها را با خود همسو و هماهنگ نماید.

پیشنهادات

با توجه با اینکه اکثریت جامعه ما را جمعیتی جوان و تحصیلکرده تشکیل می‌دهند، به نظر می‌رسد که افزایش آگاهی این گروه از افراد در رابطه با پیامدها و عوارض فرهنگ غربی، نقش موثری را در کاهش استفاده و اثرپذیری از این برنامه‌ها به همراه داشته باشد.

نمونه قابل توجه و مشخص در این زمینه تبلیغات و آگاهی‌های وسیع در رابطه با فیلم‌های شبکه فارسی وان بود. به طوری که آنچه به وضوح قابل مشاهده است این آگاهی بخشی گسترده، منجر به این امر شد که فضای حاکم بر گفتگوهای در رابطه با این فیلمها به فضایی انتقادی تبدیل شود و همین امر منجر به کاهش اقبال این نوع برنامه‌ها خصوصا در قشر تحصیلکرده شد.

البته از ذکر این نکته نباید غافل بود که مطالب ذکر شده در رابطه با نگرش انتقادی تحصیلکرده‌ها نسبت به شبکه‌های فارسی وان بر مبنای درک و مشاهدات موردی اینجانب از نمونه‌ای خاص بوده است و لازم است تحقیقاتی گسترده تر در این باره صورت گیرد تا نتیجه گیری قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشد. علاوه بر آن با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق، لازم است تا پژوهش‌هایی به منظور بررسی نقش متغیرهایی موثر در شدت تأثیرپذیری از برنامه‌های ماهواره‌ای، انجام شود و باشناخت هرچه بیشتر امکان کنترل بیشتر فراهم آید.

فهرست منابع فارسی

- اخترشهر، علی (1386) «*سازمان های ارتباط جمعی و نقش آن در جامعه پذیری دینی*»، معرفت، سال شانزدهم، شماره صدویست و سه، اسفند، 111-117.
- افهمی، بنفشه، و آقامحمدیان شریف، حمید رضا (1385). *بررسی عوامل موثر بر گرایش به ماهواره و تاثیر آن بر باورها و رفتارهای دینی مردم مشهد*. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- امجدیان، محمد علی. (1388). *نظریه کنش متقابل نمادین*. Sociologicaltheories.blogfa.com
- پنازادی، اعظم (1375) *تلویزیون ماهواره ای و اثرات آن بر فرد و جامعه*، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- دهقان، علیرضا (1381) «*مطبوعات، تلویزیون و دینداری در ایران*»، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال هجدهم، شماره 1، بهار 1386. 152-129.
- دیوبند، فائزه و صالحی، عصمت. (1389). *بررسی میزان شناخت، نگرش و عملکرد والدین نسبت به رابطه دوستی دختران با جنس مخالف در شهر یزد در سال 1389*. طرح پژوهشی زیر نظر سازمان ملی جوانان یزد.
- ربانی، رسول؛ نوروزی، رضاعلی. (1386). «*نقش و بازی: تحلیلی بر دیدگاههای کنش متقابل نمادی در تعلیم و تربیت*». مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان. 2(23). صفحات 1-14.
- ساروخانی، باقر، محسنی، منوچهر. (1381). *جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی*. تهران، انتشارات اطلاعات.
- عباسی قادری، مجتبی (1386) «*بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران*»، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال هجدهم، شماره 1، بهار 1386. 198-173.
- کوئن، بروس. (1386). *درآمدی به جامعه شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
- گیدنز، آنتونی. (1386). *جامعه شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- لاریجانی، علی، ملکی تبار، مجید (1386)، *بررسی راهبردی-امنیتی تاثیرات ماهواره بر باورهای جوانان*. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دور هشتم (29)، ص 135-160.

فهرست منابع خارجی

- Bersamin, M. M., Bourdeau, B., Fisher, D. A., Grube. J. W. (2010). " *Television Use, Sexual Behavior, and Relationship Status at Last Oral Sex and Vaginal Intercourse*". *Sexuality & Culture* 14:157-168.
- cheung , Yuet W. (1997). " *Family, School, Peer, and Media Predictors of Adolescent Deviant Behavior in Hong Kong*". *Journal of youth and adolescence*. Vol. 26, no. 5. 225-238.
- Pearson. D. Adrian (2006). *Media influence on deviant behavior in middle school students, Degree of master of school administration, North Carolina at Wilmington*.
- Kevin, M. W; Teresa. Howel ; barry .S. Cooper; John. C. Yuille & Delroy. L. paulhus (2004). " *Deviant sexual thought and behavior: the role of personality and pornography use*", Department of psychology, the university of british Columbia.
- Melina M. B ., Beth. B., Deborah A. F., & Grube. J. W.(2010). " *Television Use, Sexual Behavior, and Relationship Status at Last Oral Sex and Vaginal Intercourse*". *Sexuality & Culture* 14:157-168.
- Neil M. malamuth & John Briere (1986). " *Sexual violence in the media: Tndirect effects on aggression against women* ", *Journal of social Issues*. 42(3): 75-92.